

Public Sector Economics

تحولات

اقتصاد بخش عمومی به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد، حضور دولت در اقتصاد را توجیه کرده و نشان می‌دهد چگونه "دست نامرئی" بازار با "دست مرئی" دولت همراه می‌شود. اقتصاد بخش عمومی در قرن ۱۸ میلادی اقتصاد سیاسی، در قرن ۲۰ مالیه عمومی و از دهه ۱۹۶۰ اقتصاد بخش عمومی نام گرفت. دیدگاه درباره نقش دولت در اقتصاد طی دهه‌های اخیر به‌شدت تغییر کرد. ابتدا اعتقاد بر آن بود که در هر موردی که بازار قادر به برقراری شرایط کارایی اقتصادی نشود، دولت باید دخالت کرده و بازار را بسمت نتایج کارآمد سوق دهد. اما دیدگاه اخیر بر این موضوع تأکید می‌نماید که دولت نیز نمی‌تواند شرایط کارایی را برقرار کند و دلیلی وجود ندارد دخالت دولت در بازار منجر به نتایج کارآمد شود. با توجه به دیدگاه اخیر در برخی موارد، هزینه نتایج نامطلوب بازار برای اقتصاد در مقایسه با آنچه از مداخله دولت به‌دست می‌آید کمتر است (Buchanan, 1970, 1975). بنابراین، دیدگاه دخالت دولت در همه موارد نقصان بازار به دیدگاهی که دخالت دولت را تنها در مواردی مجاز می‌داند، که در مقایسه با دخالت نکردن مزیت داشته باشد، تغییر یافت. بدین ترتیب نقش دولت در اقتصاد در مقایسه با گذشته بسیار محدودتر شد. ماهیت اقتصاد بخش عمومی با ارائه تئوری‌هایی در جهت توجیه منطقی عقاید ایدئولوژیک و اخلاقی تغییر اساسی پیدا کرد و قلمرو اقتصاد بخش عمومی با طرح نظریه خصوصی‌سازی و مشارکت بخش خصوصی در ارائه خدمات آموزشی، بهداشت و درمان و دیگر خدمات عمومی و اصلاح امور تأمین اجتماعی تغییر یافت. در توجیه نقش دولت در اقتصاد دو اصل اساسی کارایی و عدالت مطرح است. کارایی به سطح کل فعالیت اقتصادی دولت مربوط

شده و عدالت با توزیع منافع اقتصادی ارتباط دارد. تئوری نئوشومپیتری (Neo-Schumpeterian) بخش عمومی بر توجیه حضور دولت در اقتصاد تمرکز دارد. تئوری فوق از جنبه هنجاری به بیان وظایف بخش عمومی می‌پردازد و از جنبه اثباتی و تجربی تحولات بخش عمومی را توضیح می‌دهد. رهیافت نئوشومپیتری وجود و ضرورت حضور بخش عمومی در اقتصاد را در ارتباط با اجتناب‌ناپذیری نااطمینانی هر نوع نوآوری توضیح داده است.

دیدگاه درباره اقتصاد بخش عمومی یک مسیر تکاملی را پیموده است. برای مثال، ریکاردو (۱۸۱۷) بر اثرات بدهی عمومی نظر داشته، کورنو (Cournot, 1838) اصابت مالیاتی در بازارهای رقابت ناقص را تحلیل کرده، پارتو (Pareto, 1909) مبانی تصمیم‌گیری‌های اجتماعی را بنا کرد و اجورث (Edgeworth, 1925) اثرات مالیات بر بنگاه‌های تولید چندمحصولی را موردتوجه قرار داد. توجیه این علاقه‌مندی به اقتصاد بخش عمومی را می‌توان در ارتباط نزدیک تحلیل سیاست و برنامه‌های کاربردی جستجو کرد. واضح است قبل از آنکه یک سیاست خوب تنظیم شود، یک تئوری مناسب باید ایجاد شده باشد. از جمله چالش‌های اقتصاد بخش عمومی حوزه‌های گسترده موضوعی آن است که همچنان بکر و رشدنیافته مانده و هنوز کارهای عمده می‌بایست انجام گیرد. ریچارد مسگریو تئوری جامعی درباره بخش عمومی ارائه داد. تئوری وی بر این ایده استوار است که هدف سیستم اقتصادی و نقش دولت بهبود بخشیدن به سطح زندگی افراد است. مسگریو در سه طبقه‌بندی خود از وظایف دولت به‌طور کامل متکی بر ایده فوق است. مسگریو وظایف اصلی دولت را به سه بخش مجزای کاملاً وابسته به هم تقسیم کرد. این بخش‌ها شامل بخش تخصیصی (کارایی)، بخش توزیعی (عدالت) و بخش تثبیتی می‌شود. وظیفه بخش تخصیصی تصحیح عوامل به‌وجودآورنده نارسایی در سیستم اقتصادی است و وظیفه بخش توزیع اطمینان حاصل کردن از آنکه توزیع صورت‌گرفته مناسب

است. سیاست مالی، سیاست پولی و مسائل ثبات اقتصاد کلان مربوط به بخش تثبیتی می‌شود.

کتاب‌شناسی

- Buchanan, James M. (1970). *The Public Finances*, Richard D. Irwin, Inc, Homewood: Illinois. (1975). *The Limits of Liberty: Between Anarchy and Leviathan*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Cournot, A. (1838). *Researches into the Mathematical Principles of the Theory of Wealth*, Trans, N.T, Bacon, New York: Macmillan, 1929.
- Edgeworth, F. Y. (1925). *Papers Relating to Political Economy*, 3vols, London: Macmillan, for the Royal Economic Society.
- Musgrave, R. A. (1959). *The theory of public finance: A study in public economy*, New York: McGraw-Hill.
- Pareto, V. 1971 (1909). *Manual of Political Economy*, London: Macmillan.
- Ricardo, David. (1817). *Principles of Political Economy and Taxation*, London: John Murray,.
- Schumpeter, J. A. (1942). *Capitalism, Socialism, and Democracy*, New York: Harper and Bros.

خسرو پیرائی

هیئت علمی بازنشسته دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران